

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نیل نیکاندروف*(Nil Nikandrov)

برگردان از: ا. م. شیری

۱۱ اگست ۲۰۱۴

بریکس علیه دیکتاتوری دالر یا امریکا

به مثابه مرکز شتر جهانی

در پی جهانی سازی خونین، عقلانیت آهسته و گام به گام، اما عروج می کند. کشورهای مستقل و افکار عمومی جهان هجوم رعدآسای ایالات متحده امریکا زیر نظر مرکز فرماندهی واقع در واشنگتن و در ورای شعار «دمکراسی تک قطبی» با هدف سلطه بر سرتاسر جهان را یک حمله شکست خورده ارزیابی می کنند. با این حال، دولت اوپاما حاضر نیست به شکست خود اعتراف نماید. به همین دلیل، از طریق ترسیم تصویر دشمن و به کمک تبلیغات سیاه برای شروع جنگ بهانه تراشی می کند...

اثرگذاری گروه بریکس متشکل از کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی بر اوضاع جهان و به تدوین برنامه اقدام جایگزین به نفع کشورهای پیشرفته، یک عامل مهم بنیادی زندگی کنونی بین المللی به شمار می رود. انحلال نظام ارزی- مالی بین المللی وابسته به امریکا، که پس از جنگ جهانی دوم برقرار گردید، در مرحله کنونی شکلگیری جهان چند قطبی در درجه اول اهمیت قرار دارد. کشورهای گروه بریکس در نظر دارند به دیکتاتوری دالر، به استفاده از ضرب نامحدود «برگه های سبز» برای خرید هر چیز دارای ارزش واقعی، به تقلب سیستماتیک ایالات متحده امریکا در عرصه مالی نقطه پایان بگذارند.

رئیس جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین ضمن بیان دیدگاه مشترک در اجلاس ششم سران گروه بریکس در برزیل (۱۵ و ۱۶ جولای) اظهار داشت، که زمان اصلاح نظام مالی- ارزی بین المللی از مدتها پیش فرارسیده، این نظام، هم از دیدگاه اعضای گروه و هم از نظر «اقتصاد جدید»، به طور کلی عادلانه نیست. تسریع مشارکت کشورهای گروه بریکس در فرآیند تصمیم گیریهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ضرورت یافته است.

در اجلاس فورتالیزه سند پایانی- اعلامیه و برنامه عمل به امضاء رسید. در این اعلامیه نگاه مشترک کشورهای گروه بریکس به اوضاع سیاسی و اقتصادی جاری جهان انعکاس یافته و مختصات همکاری فراگیر مشخص شده است. در این برنامه عمل، وظایف کشورهای گروه بریکس در چشم انداز نزدیک، تا اجلاس بعدی گروه که در ماه جولای سال ۲۰۱۵ در روسیه برگزار خواهد شد، معین شده است. همه رسانه های جمعی جهان از امضای سند

نهائی ناظر بر تشکیل بانک جدید توسعه بریکس به مرکزیت شانگهای و ایجاد پول شرطی برای ذخیره ارزی خبر دادند. همانطور که پوتین، رئیس جمهور روسیه تصریح کرد، «تأسیس بانک توسعه و تعیین پول شرطی برای ذخیره ارزی- یکی از گامهای عملی کشورهای ما برای تحکیم و تقویت ساختار مالی بین المللی، متعادل تر و منصفانه تر کردن آن است».

دیلمار روسوف، رئیس جمهور برزیل در خصوص نقش رو به رشد بریکس اظهار داشت: «گروه در تخفیف اثرات منفی بحران مالی جهانی، و همچنین، در امر توسعه پایدار اقتصاد بسیار موفق عمل کرد». تأسیس بانک بریکس و صندوق ذخیره، به گفته وی، نشان می دهد که کشورهای عضو گروه «صرفنظر از تفاوت های فرهنگی، ملی و زبانی، برای تشکل اتحاد ستراتیژیک جامع و مثبت، برای مقابله با بی ثباتی در عرصه بین المللی آماده اند». دیلمار روسوف در پاسخ به انتقادات از گروه بریکس گفت: «ما نه برای مقابله با کسی، بلکه، به سود خود پدید آمده ایم». بنا به تصریح روسوف، «رشد و شکوفائی جهان، فلسفه وجودی گروه است». واقعاً هم، سهم گروه «پنج» از مجموع سرمایه گذاریهای جهان، به ۱۱ درصد و از تجارت جهانی، به ۲۰ درصد بالغ می شود. گردش کالا در میان کشورهای بریکس در سالهای اخیر دو برابر افزایش یافته که خود این، فقط آغاز کار است. کارشناسان روسیه یک طرح همکاری جامع و ستراتیژیک برای گروه بریکس تهیه کرده اند. اجرای آن نقش پیشبرنده گروه در اقتصاد جهان را تضمین می کند.

دیدار سران گروه «پنج» با رؤسای جمهور اتحادیه ملل امریکای جنوبی گواه بارز اهمیت عامل بریکس در جهان معاصر است. در گزارشات تبلیغاتی و برنامه های تلویزیونی «ضد بریکس» چنین القاء می شود، که در مجمع بریکس فقط رؤسای جمهور «پوپولیست» ونزوئلا- نیکولاس مادرو، اکوادور- رفائیل کورهآ، بولیوی- اوا مورالیست و احتمالاً، رئیس جمهور اوروگوئه- خوزه موخیکا، «میانه رو سابق» شرکت می کنند. اما معلوم شد که همه رهبران کشورهای امریکای لاتین برای کسب اطلاعات دست اول در خصوص فعالیت و برنامه های گروه بریکس در برزیل جمع شدند. چشم انداز حل روابط تجاری و تقویت همکاریهای اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سران کشورهای امریکای جنوبی از حداکثر فرصتها برای مذاکره با رهبران گروه «پنج» استفاده کردند.

مادورو، رئیس جمهور ونزوئلا ضمن قدردانی از جلسه مشترک، اظهار داشت: «هدف این دیدار، حراست از ایدئالهای جهان چند قطبی است. این مفاهیم در ونزوئلا ما در «برنامه میهن» برای سالهای ۲۰۱۳ - ۲۰۱۹ مصوب مجلس ملی کشور، انعکاس یافته است. ما به نظام اقتصادی جدید و به چنان موازینی نیاز داریم که خودمان به طور مستقل در امریکای جنوبی ایجاد می کنیم. این دیدار بی هیچ تردیدی یک دیدار تاریخی، دیدار بین ملت های پنج کشور بسیار توسعه یافته و پر نفوذ جهان با جامعه امریکای جنوبی محسوب می شود، که در عرصه های اقتصادی، فرهنگی، توسعه ارضی، و با هویت امریکای جنوبی، راه رشد خاص خود را در پیش گرفته است».

اعضای گروه بریکس به موازات فعالیتهای جمعی، جلسات دو جانبه با همتایان امریکای جنوبی خود برگزار کردند. در همین راستا، ولادیمیر پوتین مذاکرات موفقیت آمیزی را با رؤسای جمهور ونزوئلا، بولیوی و اوروگوئه انجام داد.

در متن مذاکره های بریکس و اتحادیه ملل امریکای جنوبی، واشنگتن کارزار تبلیغاتی گسترده ای تحت عنوان «تهاجم روسیه» به اوکراین به راه انداخت. سفیران اتحادیه اروپا را به کاخ سفید فراخواند و از آنها خواست که برای مقابله با «تجاوز روسیه به اوکراین»، تدابیر سختگیرانه علیه آن اتخاذ نموده و مسکو را مجازات نمایند.

تحریمهای تازه، از جمله، علیه کمپانی «کالاشنیکوف»، شرکت دولتی «روس نفت» و «نواتک»، «بانک اقتصاد خارجی»، «گازپروم» و برخی مؤسسات صنایع دفاعی برقرار گردید. برخی مقامات عالی رتبه روسیه نیز تحت تحریم قرار گرفتند. سرگئی لاوروف، وزیر امورخارجی روسیه، در باره تصمیمات دولت اوپاما قبل از گسترش تحریمها اظهار داشت: «در دناک است، که رئیس جمهور یک کشور بزرگ از چنین موضعی به این نوع مسائل مهم برخورد می کند». به گفته لاوروف، رهبران گروه بریکس، «اقدام یک جانبه در سیاست جهانی را محکوم نموده... به منظور حل مسائل مختلف، از تلاشهای همه قدرتهای بزرگ برای یافتن یک راه حل مورد قبول طرفین پشتیبانی می کنند».

تحریمهای امریکا علیه روسیه را کشورهای گروه بریکس و اکثریت کشورهای اتحادیه ملتهای امریکای جنوبی تقبیح نمودند. گزارشات رسانه های جمعی امریکای لاتین از اجلاس گروه بریکس و تجزیه و تحلیلهای وبلاگ نویسان حکایت از آن دارند، که تحریمهای واشنگتن با هدف دامن زدن به مناقشات در مرز روسیه و اوکراین با دست «دولت دست نشانده پاراشنکو» وضع شده است. با این حال، اوپاما به اتکاء «مسئولیت ویژه امریکا» گفت: «ما به ایفای نقش رهبری در حل چنین مسائلی موظفیم».

نکته جالب توجه این که در طول ربع قرن گذشته، ایالات متحده امریکا در کجا به حل «چنین مسائلی» موفق شده است؟ آیا کشورهای تخریب شده، دهها هزار قربانی، قتل صدها مقام سیاسی و نظامی^(۱) به بهانه عدم همگامی با دموکراسی «کاملاً واقعی»، محصول بی مسئولیتی امریکا نیستند؟ آیا تلاشهای مالیخولیائی واشنگتن برای ایجاد فضای امریکائی در ویرانه های کشورهای اغلب قدیمی تر و دارای تمدن به مراتب پیشرفته تر، مردم عادی را نمی ترساند؟ این، همان چیزی است که حتی از سوی نزدیکترین کشورهای متحد امپراتوری، به ویژه از طرف رهبران خردمند کشورهایی که روند محتوم تبدیل شدن امریکا به مرکز شر جهانی را با نگرانی دنبال می کنند، رد می شود.

توضیح مترجم

(۱) - نکته قابل توجه این که، در طول ربع قرن گذشته چندین کشور جهان در اثر هجوم و جنگهای مرئی و یا نامرئی انجمن رژیمهای غربی به سرکردگی رژیم فاشیستی امریکا به ویرانه تبدیل شده و مردم آنها همراه با کلیه مقامات سیاسی و نظامی (حداقل، مقامات درجه اول و دوم) آنها به طور نظاممند قتل عام شده اند. با این وجود، آمار رسمی این نسل کشیهای شنیع هیچ گاه انتشار نیافته و به همین سبب هم، متخصصان و تحلیلگران هنگام اشاره به این قبیل جنایات هولناک غرب، معمولاً، بسته به آهنگ جمله، ارقام مبهم میلیونها نفر، صدها یا دهها هزار نفر به کار می برند.

خود این ارقام مبهم، اگر چه از یکطرف، نشاندهنده گستردگی ابعاد جنایت دهشتناک رژیمهای غربی علیه بشریت است، ولی از سوی دیگر، نشاندهنده سلطه جناح جنگ طلب غرب بر رسانه های جمعی است که به کمک آنها آمار واقعی ویرانیها و کشتارها کتمان می شود. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۱، بلافاصله پس از آنکه سرهنگ قذافی پیش پای هیلری کلینتن به طرز فجیعی قربانی شد و استعمار دوباره لیبیا در پی سقوط دولت مستقل این کشور به دست تروریستهای ناتو و القاعده اعلام گردید، ناتوی رسانه ئی آمار تلفات انسانی این هجوم غرب را بدون ارائه هیچ سند و مدرکی، ۵۰ هزار نفر اعلام کرد و یا هنگام خروج نظامیان اشغالگر غرب از عراق در سال ۲۰۰۹ تلفات انسانی این کشور در طول دوره اشغال ۶ ساله، ۱۰۰ هزار نفر اعلام گردید.

صرفنظر از بزرگی خود همین ارقام ۵۰ هزار و ۱۰۰ هزار نفر، اما فاصله آنها با واقعیات از زمین تا آسمان است. در مورد نمونه عراق لازم به یادآوری است که سایت «کنعان» با استناد به وزارت بهداشت و پزشکی قانونی این کشور، تلفات انسانی عراق از سال ۲۰۰۳ تا ماه دسمبر سال ۲۰۰۸ را ۲ و نیم میلیون نفر کشته، ۸۰۰ هزار نفر ناپدید اعلام کرد. علاوه بر این، تقریباً تمامی مقامات سیاسی و نظامی کشورهای اشغالی بی سر و صدا یا به قتل رسیدند و یا ناپدید شدند. رجوع شود به این نشانیها:

<http://www.kanaanonline.org/> \t "_blank

<http://www.edalat.org/sys/content/view/367547> \t "_blank

<http://www.edalat.org/sys/content/view/367547>

افزون بر این، نمی توان از نظر دور داشت که کشتار مردم و ویرانی در کشورهای اشغالی مثل عراق، لیبیا، سومالی و غیره، حتی پس از خروج نیروهای تروریستی- اشغالگر غرب، با همان آهنگ دوره اشغال، منتها، به دست نیروهای تروریستی جایگزین مثل القاعده، «داعش»، جبهه النصره و امثالهم همچنان ادامه دارد.

<http://www.fondsk.ru/news/2014/07/17/briks-protiv-diktatury-dollar-ili-ssha-kak-vsemirnyj-centr-zla-28524.html>

۱۹ مرداد- اسد ۱۳۹۳

*- نویسنده، مقاله نویس و دارنده درجه روزنامه نگار بین المللی